

بازخوانی بصری شمایل نگاری درباری مکتب زند شیراز

سهیلا زارعی دودجی

کارشناسی ارشد ارتباط تصویری موسسه آموزش عالی ارم شیراز

szarei.5127@gmail.com

محمد علی کریمی پور (نویسنده مسئول)

عضو هیئت علمی موسسه آموزش عالی ارم شیراز

Ma.karimipoor1977@gmail.com

چکیده:

شمایل نگاری، بازنمایی شخصیت‌های مهم از طریق نقاشی، مجسمه سازی و است. شمایل به طور خاص ترسیم نگاره‌هایی است که خصوصیات و صفات افراد در موضوعات دینی مطرح می‌شود. دوران زندیه یکی از دوران مهم تولید آثار هنری به خصوص شمایل نگاری است. کریم خان زند با انتخاب شیراز به عنوان پایتخت مشوق بزرگ علم و ادب، سازنده بسیاری از بناهای تاریخی در این دوران است. شمایل نگاری در این دوران ویژگی‌های خاص خود را دارد که بیشتر نمودی از فضاهای اجتماعی آن دوران است. یافته‌ها نشان می‌دهد در اکثر این نقاشی‌ها، اجراهای بومی و محلی به مضامین طبیعت گرایانه و عاشقانه، نوعی ویژگی معتدل و صمیمی داده است که با تلفیق دستاوردهای شبه رئالیستی به آنها کیفیتی قابل توجه بخشیده است. این پژوهش به بازخوانی بصری شمایل نگاری دوره زندیه می‌پردازد که با روش توصیفی تحلیلی انجام شده و مولفه‌های تجسمی در شمایل نگاری‌ها بررسی می‌شود.

واژگان کلیدی: شمایل، شمایل نگاری درباری، زندیه، شیراز

مقدمه:

شمایل نگاری از دو لفظ یونانی به ترتیب به معنی (نگاره، شمایل) و (نگاشتن) گرفته شده است. اهمیت رویدادها و اشخاص مهم در ادیان مختلف نیز ضرورت بازنمایی آنها را برای مقاصد گوناگون سبب شده است تا دورترین زمان ها، شمایل نگاری مورد توجه دین داران و هنرمندان مومن قرار گیرد. گرچه کاربرد عالی در تاریخ هنر برای این اصطلاح وجود دارد «شمایل نگاری» بازنمایی اشیاء یا تصورات از طریق نقاشی، طراحی، مجسمه سازی و غیر است اما به طور خاص کنایه از ترسیم نگاره های در این حیطه دینی است. از شمایل نگاری به شمایل سازی تعبیر شده است. شمایل در اصل به معنای «صفت ها و خصلت های انسان است اما به چهره و ویژگی ها و مشخصات صورت نیز گفته می شود.

شمایل نگاری در ایران ویژگی های خاص خود را دارد. این ویژگی ها هنر شمایل نگاری را از لحاظ مضمون و شیوه نگارگری و جنبه ی تقدس آن از شمایل نگاری در نقاط دیگر جهان، به ویژه غرب، جدا می کند.

شمایل های ایرانی بیشتر جنبه مردمی یا به عبارت دیگر، جنبه فولکلریک دارند. هنر و موضوع این نقاشی ها برخاسته از فرهنگ عامه مردم است و بن مایه های آنها نمایانگر اندیشه و احساس ملی، قومی و مذهبی عامه مردم و مفاهیم و معنایی و برداشت هایی است که مردم از تاریخ اسطوره ای، حماسی و مذهبی در ذهن تاریخی شان دارند.

نقاشی ایران در دوره زندیه تحت حمایت کریم خان رونقی تازه گرفت و منشاء تحولات قابل توجهی شد. در این دوره ی کوتاه، گونه های تازه ی هنر تصویری هم چون قلمدان نگاری، دیوارنگاری، نقاشی گل و مرغ و پیکره نگاری درباری به نمایش گذاشته شد. نقاشی این دوره زندیه در مقیاس با صفوی و دوره افشاریه سر برکشید و مضامین شاعرانه و تعزلی خود را پرورش داد.

بیان عاطفی و احساس، نقاشی دوره زندیه در مقیاس با دوره صفویه بیشتر بود. اکثر نگاره های به جا مانده از دوره زند انسان را در شرایطی از آسایش (زنی در حال باد زدن، دخترری در حال نواختن سه تار، جوانی نشسته با نوشته ای در دست) نشان می دهد و این خود بیانگر آرامش است که پس از زمامداری نادر، در دوره سلاطین زند در ایران حکفرما بوده است.

شیراز در این دوره شاهد گرایش به تلفیق و ترکیب قالب های صفوی سبک اساسا چهره نگاری درباری اروپایی و ذوق و سلیقه عامیانه بود. در دوره زندیه گرایشی از چهره پردازی و شمایل پردازی رایج می شود که بر اساس مشاهدات روزمره بوده و طبیعی تر از دوران ماقبل خود بوده است. در این دوره گرایش به تلفیق و ترکیب قالبهای صفوی، سبک چهره نگاری درباری اروپایی و ذوق و سلیقه ی عامیانه مطرح می شود.

در همین راستا در پژوهش تلاش می شود شمایل نگاری درباری دوران زندیه در شیراز با توجه به فضای بصری و مولفه های گرافیک مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و بازخوانی شود.

پیشینه پژوهش:

با بررسی هایی که در زمینه سوابق و پیشینه در این راستا صورت گرفته کتاب ها و مقالات مختلفی وجود داشته است از جمله کتاب نقاشی زندگی به قلم سید سعید شبیری، (۱۳۹۶)، که در این کتاب، به بررسی های ویژگی های هنر دوره زندگی و جمع آوری مجموعه نفیس از آثار به جا مانده از آن دوران می باشد. اما وجه تمایز این پژوهش با این کتاب، خاصه درباره تجزیه و تحلیل شمایل نگاری دوره هنر زندگی و مطالعه بصری آثار نقاشی به جا مانده می باشد و همچنین در کتاب شمایل نگاری دینی در ایران و غرب به قلم راضیه یاسینی، (۱۳۹۵)، بیشتر جنبه دینی شمایل نگاری پرداخته شده است و مختصر درباره هنر شمایل نگاری دوره زندگی مطالبی نوشته شده است. وجه تمایز این پژوهش این است که به بررسی و بازخوانی بصری شمایل نگاری دربار و شاهان آن دوره پرداخته می شود. همچنین در مقاله ترکیب بندی در آثار پیکره نگاری درباری دوره ی زندگی به قلم مریم برهمند، (۱۳۸۷)، به ویژگی های ترکیب بندی پیکره نگاری آثار نقاشی های به جا مانده از دوره زندگی پرداخته شده است اما در این پژوهش به بررسی شمایل های درباری و تاثیرات گوناگون شرایط آن دوره بر روی شمایل ها پرداخته می شود.

روش پژوهش:

روش پژوهش، به صورت توصیفی و تحلیلی می باشد. جمع آوری اطلاعات و فیش برداری براساس منابع معتبر کتابخانه ای، مصاحبه با صاحب نظران است.

جامع آماری، مجموعه آثار نقاشی شمایل نگاری دوره زندگی است و روش نمونه گیری به صورت انتخابی می باشد.

شمایل نگاری

«Iconography» معادل انگلیسی کلمه ی شمایل نگاری است که از دو بخش «eikon» و «graphia» تشکیل شده است. این دو لفظ یونانی به ترتیب به معنی (نگاره، شمایل) و (نگاشتن) هستند. اهمیت رویدادها و اشخاص مهم در ادیان مختلف نیز ضرورت بازنمایی آنها را برای مقاصد گوناگون سبب شده است تا دورترین زمان ها، شمایل نگاری مورد توجه دین داران و هنرمندان مومن قرار گیرد. گرچه کاربرد عالی در تاریخ هنر برای این اصطلاح وجود دارد «شمایل نگاری، بازنمایی اشیاء یا تصورات از طریق نقاشی، طراحی، مجسمه سازی و غیر است» (هینلز، ۱۳۸۶، ۴۱۶)؛ اما به طور خاص کنایه از ترسیم نگاره های در این حیطه دینی است. از شمایل نگاری به شمایل سازی تعبیر شده است.

شمایل در اصل به معنای «صفت ها و خصلت های انسان است اما به چهره و ویژگی ها و مشخصات صورت نیز گفته می شود». «به صورت نگاری و ترسیم چهره بزرگان دین و نگارگری وقایع مذهبی، شمایل سازی می گویند» (معین).

پاکباز سه معنای متمایز برای کلمه ی شمایل قائل است^۱ - معنای مترادف با موضوع هنری که ضمن بررسی های هنری آلمانی در نیمه ی دوم سده ی نوزدهم رایج شد. اصلاحات شمایل نگاری، شمایل شناسی بر همین معنا مبتنی اند.

۲- معنایی که در برخی مکتب های معنا شناسی و نظریه هنر در سده بیستم استفاده می شود و مفاهیم خاصی را بیان می کند.

۳- قدیمی ترین و رایج ترین معنای آن با تاریخ هنر دینی مسیحی مرتبط است و به تمثال مورد عبارت - «غالباً تصویر مریم عذرا و کودک اشاره دارد» (پاکباز، ۱۳۸۱، ۳۳۳)

معنی رایج شمایل در ادب و هنر فارسی از شمایل، چهره و شکل زیبایی و روحانی است. در زبان فارسی کلمه ی «شمایل» به معنی شکل و صورت است:

«در هر نکته ای که گفتم در وصف آن شمایل هر کس شنید گفتا لله در قائل» (حافظ)

در زبان عربی کلمه ی شمایل به معنی «طبع ها و خوی ها» است. بر همین اساس، آن را به معنی خوبی ذات و سرشت نیکو، خصلت های پاکیزه و اخلاق پسندیده نیز گرفته اند (برهان قاطع).

در برخی متون کهن فارسی، اوصاف نیکو با کلمه ی شمایل توصیف شده است.

«یک شمه از شمایل او گر بیان کنم جمع آید از مکارم اخلاق دفتری» (جامی)

مفهوم شمایل و شمایل نگاری

شمایل در به معنای صفت ها و ویژگی های انسان است. اما به چهره، ویژگی ها و مشخصات صورت نیز گفته می شود. همچنین به صورت نگاری و ترسیم چهره بزرگان دین و نگارگری وقایع مذهبی نیز شمایل سازی می گویند. (شایسته فر، ۱۳۸۸، ۶۰)

شمایل در یک معنای عام، چهره ای روحانی و متعلق به عالم قدس است که حضور آن ها در جامعه ی دینی، سبب اشاعه ی معنویت و پایبندی به اصول معنوی است. شمایل ها صورت های خیالی اند که در دو مفهوم کلی قابل ادراک هستند. در معنایی خاص، «شاکله ی کلی یک امر قدسی است» که الزاماً چهره ی یک فرد مقدس نیست. در معنی عام، شمایل «جلوه ی ظاهری یک قدیس یا قدیسه» است.

کوماراسامی در اهمیت شمایل نگاری سنتی گفته است: «شمایل نگاری جوهر هنر است و سبک ها عوارض آن» (سوامی، ۱۳۸۸، ۱۸۸).

در دایره المعارف هایی که در زمینه هنر و مطالعات ادیان به نگارش در آمده اند به دو مدخل مجزای «شمایل» و «شمایل نگاری» بر می خوریم که همین امر نیز توجه مولفان آن ها را به تفکیک دقیق میان این دو اصطلاح خاطر نشان می سازد. در تعریف اصطلاح شمایل نگاری یا «Iconography» باید گفت به هنر یا مذهب خاصی اختصاص ندارد همه ی هنرها و بیشتر مذاهب و آیین ها از کهن ترین

ادوار تا روزگار ما، از شمایل نگاری بهر مند بوده اند. حتی در یهودیت که منع شمایل و شمایل شکنی وجود داشته است نیز، شاهد رویکرد شمایل نگارانه هستیم. (نصری، ۱۳۸۹، ۵۶)

مسلمانان در آغاز، هیچ گونه سنت هنری نداشتند و حتی قوانین مذهبی آنان، هنرهای تصویری را حرام کرده بود. ولی این قانون در زمینه نقاشی، پس از گذشت سه دهه از حضور اسلام، حساسیت کم تری یافت و نقوش انسانی و حیوانی در کتاب های غیر مذهبی به کار گرفته شد. (شایسته فر، ۱۳۸۸، ۶۰)

شمایل نگاری به وسیله هنرمند شکل گرفته و در میان توده های مردمی و گاهی با هنرهای درباری گلاویز می شود. زمانی جنگ آغاز شده و به علت تعصبات و ناامنی، کشیدن شمایل، ادامه حیات پیدا نکرد و چون وقت مناسب، پیش آمده، رواج یافت. اما شمایل کشی بعد از اسلام، به اوج خود رسید. موضوع شمایل کشی در ایران پس از اسلام، همیشه به صورت یک مجهول باقی مانده است و اطلاعاتی که به دست آمده، تا حدی می تواند، برای شناسایی اثر به ما کمک کند. شمایل بعد از اسلام به خصوص اوایل آن، به علت حرمت نقاشی و چهره کشی در اسلام، منع بوده است و احادیث هم روایتی کشیدن صور و به خصوص ساختن مجسمه از صورت را حرام می دانست و چون در صورت کشی و ساخته خود می بایست جان و روح بدمد و این کار از عهده آنها خارج بود، اسلام آن را نهی کرده و به همین خاطر، تمایل هنرمندان ایران، به نوشتن خط و کشیدن صورت نباتات و جماد، خلاصه می شد، این محدودیت ها تا حدی باعث عقب ماندگی ظهور شمایل نگاری، در ایران شده است. (هنری مهر، ۱۳۸۴، ۵۲، ۵۳)



تصویر ۱، کریمخان زند در

احاطه خانواده دربیانش، اواخر قرن ۱۸، کتابخانه بریتانیا. ماخذ (شیرازی، ۱۳۹۶، ۱۲)

تنها چیزی که انکار آن را نمی توان نمود این است که چهره کشتی و نقاشی ایرانی در مورد خود منفرد و یگانه بوده و بیننده را نوعی تأثیرات روحی و الهام و خوشی و شادمانی قلبی می بخشد که چنین وحی و تأثیر و جلب توجه برای غیر آن از فنون هنروران دیگر نیست. (حقیقت، ۱۳۸۵، ۵۷)

دوران زندگی

کریم خان زند پس از سال ها نبرد با مدعیان سلطنت، سرانجام بخش عمده ای از کشور بزرگ ایران را تحت فرمان خویش درآورد. کریم خان زند پس از تصرف ایالت فارس حکومت آن جا را به برادر خویش صادق خان واگذار کرد. از آن جا که شهر شیراز چنان که شرح داده شد، پس از سقوط حکومت صفویه دچار خسارت عمده ای شده بود، کریم خان زند سامان بخشیدن به اوضاع آن شهر را مورد نظر قرار داد. در هر حال پس از آن که کریم خان زند شیراز را به عنوان پایتخت خویش برگزید، بسیار علاقه داشت که شهر شیراز را «طوری بیاورید که شاه عباس بزرگ صفوی اصفهان را». به همین منظور کریم خان که یورش های پی در پی قدرت طلبان به شیراز را پس از سقوط صفویه مد نظر داشت، برای حفاظت از پایتخت خویش قبل از هر اقدام دیگری، دستور داد، برج و بارویی بسیار استوار پیراون شیراز ساخته شود. به فرمان کریم خان، دیوان خانه ای شکوهمند و خانه هایی زیبا برای فرزندان او و بوستان سرایی دلگشا، اصطبل که هزار آخور داشت، در اطراف ارگ ساخته شد و سه میدان مربع وسیع پر حجرات متصل به هم و یک میدان مربع طولانی که از چهار طرفش حجره های پاکیزه نیکو ساخته بودن، ایجاد گردید.

کریم خان که پس از شکست علی مردان خان و خروج او از صحنه ی سیاست ایران سلطان واقعی و فعال مایه های این کشور شده بود خود را با «وکیل الرعایا» یعنی وکیل و نماینده مردم خواند و عنوان پادشاهی را برای شاه اسماعیل که خود کمک علی مردان خان به سلطنت رسانیده بود باقی گذارد.

کریم خان شخصا سواد نداشت لیکن به ادبیات و علم و هنر علاقه مند بود به حدی که دربار خود و یا به عبارت بهتر مقر حکومت خود را محل اجتماع دانشمندان و هنرمندان زمان کرده بود. ولی کریم خان وارث یک دوره ی طولانی و نزدیک به نیم قرن اغتشاش و جنگ داخلی بود و به همین جهت است که در زمان او شاعر و ادیب کمتر یافت می شود. برای درک نتایج آرامش و امنیت دوره ی کریم خان، علم پروری و هنردوستی او لازم بود یک نسل بگذرد تا عبدالرزاق سمرقندی سیاح خارجی که کمی پس از مرگ او به ایران مسافرت کرده چنین گوید که در «طول سی سال سلطنت کریم خان زند ادبیات و هنر و صنایع که دوره های انقلابی قبل به کلی تعطیل شده بود از نو زنده شد». (هدایتی، ۱۳۳۴، ۲۱۱)

کریم خان، مشوق بزرگ علم و ادب، در عین حال یک بنا کننده و سارنده ی بزرگ بود وی به نوبه ی خود شیراز را که تا زمان شهر محقر و کوچکی بود چنان آباد کرد که در صف پایتخت های بزرگ این کشور درآمد.



تصویر ۲، کریمخان زند، ۱۸۱۰ میلادی جن مالکوم- کتابخانه بریتانیا. ماخذ (شیرازی، ۱۳۹۶، ۱۹)

نقاشی دوران کریمخان هر چند با نقاشی اواخر سده ی یازدهم پیوند زیادی دارد، به واسطه ویژگی های پیکر و جامه قابل تشخیص است. در آنها زنان معمولاً چاق و با چهره ی گرد و چشمان درشت و مردان با چهره گرد و چشمان درشت و مردان با چهره ی گرد بدون ریش و موی تنک مجسم می شدند. زنان پیراهن نازک، شلوار لوله ای گشاد و نیم تنه بلند و پرتکمه می پوشیدند و میشان را با نیم تاج یا کلاه کلاه پوستی و یا سرپوشی شبیه کلاهک رنانه می پوشانند. با همین جزئیات جامه ها می توان فرق نقاشی زندیه و قاجار را متوجه شد. شلوار زنان دوره زندیه نوار دارد و تنگ تر از شلوارهایی است که زنان در اوایل دوره قاجار بر تن می کردند. در در دوره زندیه نیم تنه های فراگذار با دکمه های زیاد رواج داشت و این جامه جای خود را در زمان قاجاریه به ژاکت گونه کوتاهی داد که بر روی بلوز سفید شفاف پوشیده میشد و در جلوی آن سوراخهایی مرصع به جواهرات وجود داشت. گفته می شود که در این دوره مکتبی از چهره پردازی (پرتره کشی) وجود داشته که بر اساس مشاهدات روزمره بوده و کاملاً طبیعی «مردمی تر» از سبک دربربری فتحعلی شاه داشته است. در واقع شیوه ی چهره پردازی زندیه مخصوصاً شیوه صادق نسبت به شیوه چهره پردازی دربار فتحعلی شاه به آثار اروپایی که تحت تاثیر آن بودند، نزدیک تر است. (رهنورد، ۱۳۹۳، ۱۶۲، ۱۶۳)

آن چه که مهم ترین ویژگی های نقاشی ایران در طی این دوران است، زوال و کاهش تذهیب کتاب است. در عوض به جای ترئین بیش از حد اوراق کتاب، هنر خود را صرف ترئین اشیاء کوچک نظیر قلمدان، آینه دان و صندوقچه و لفافه و جلد می کردند، که معمولاً با خمیر کاغذ می ساختند، سپس با لایه ی نازکی از گچ مخصوص پوشانده می شد. این هنر که در واقع از دوران زندیه در شیراز شروع شد، به نام هنر دوران قاجار شناخته شده است. (اسفندیاری پور، ۱۳۸۷، ۷۲۱)

شیراز نیز در دوره ی زندیه شاهد تمایل رو به افزایش تلفیق و ترکیب قالبهای صفوی، چهره نگاری درباری به شیوه ی اروپایی و ذوق و سلیقه عامیانه بود. نتیجه این تلفیق ناموفق، خامدستی و خشونت در اجرا بود. تمایل به دور نمایی و سه بعدی نمایی همچون نقاشی دوران صفویه، وارد کردن عناصر تزئینی بروی ردای پیکره ها و زمینه های دیگر و لباسهای طبیعت گرایانه نیز از ویژگیهای دیگر نقاشی در دوران زندیه بود. (گودرزی، ۱۳۸۴، ۶۶)

آثار این دوره با وجودی که مجموعه شرایط و ویژگی های نگارگری سنتی ایران، اتکا به سطوح دو بعدی (مسطح بودن) درخشش (نورانی بودن) بی توجهی به عالم مادی محسوس (ذهنی گرایی) بهره گیری از رنگ های روحی (لطیف و سبک بودن) و قالبها و اندازه های کوچک (متعارف و درون گرا) و.... را دارا هستند، احساس فضای ملکوتی، تمثیلی و بهشت گونه آثار هنرمندان گذشته، به ویژه نگارگران مکتب تیموری، شیراز و تبریز را در بیننده ایجاد نموده و برخوردار از مضامین و محتوای زمینی و دنیایی اند.



تصویر ۳، کریمخان زند و درباریان، ابتدای قرن ۱۸، موزه آقا خان تورنتو کانادا. (ماخذ: شبیری، ۱۳۹۶، ۱۱)

ویژگی‌های شمایل‌های زندیه

تحت حمایت کریم خان زند (حدود ۱۱۷۵-۱۱۹۳ ه. ق)، بازار هنر رونقی تازه یافت. نقاشی روزگار او، هرچند با نقاشی اواخر سده یازدهم پیوندهای زیادی دارد، به واسطه ویژگی‌های پیکر و جامه قابل تشخیص است. زنان معمولاً چاق و چهره‌ی گرد و چشمان درشت مجسم می‌شدند و مردان با چهره‌ی گرد و بدون ریش و موی تنگ. زنان پیراهن نازک، شلوار لوله‌ای گشاد و نیم تنه‌ی بلند و پرتکمه می‌پوشیدند و مویشان با نیم تاج یا کلاه می‌آراستند؛ و مردان جبه‌ای چسبان بر تن می‌کردند و شالی بر کمر می‌بستند و عمامه‌ی بلند یا کلاه پوستی و یا سرپوشی شبیه کلاهک زنان بر سر می‌گذاشتند. (پاکباز، ۱۳۸۷، ۱۴۸)

این مکتب از آن رو فریبنده می‌نماید که نموداری از طبیعت و زندگی مردمان آن دوره است. در آن عهد آنچه باعث جذب عامه مردم می‌شد «چهره نگاری درباری اروپایی» بود که هرگز به صورت هنری شکوهمند در نیامد. ابداع این عصر رواج مدل‌های جدید تصویری بود که با تزئین اشیایی با قلمدان (قلمدان نگاری)، قاب آئینه، جلد کتاب و همراه با نقاشی زیر لاک می‌بود (واسطه سده ۱۱) احتمالاً محمد زمان نخستین قلمدان نگار بوده و از موضوعات گل و بلبل و تک چهره زن و استفاده می‌نمود. (جعفری، ۱۳۸۷، ۶۷)



پنجاد اتحاساسی علوم جهان اسلام

National Conference on Iranian Islamic Art

Effects in Culture, Science and Documentation

University of Guilan, 2018



دانشگاه گیلان

همایش ملی جلوه های هنر ایرانی اسلامی در فرهنگ، علوم و اسناد

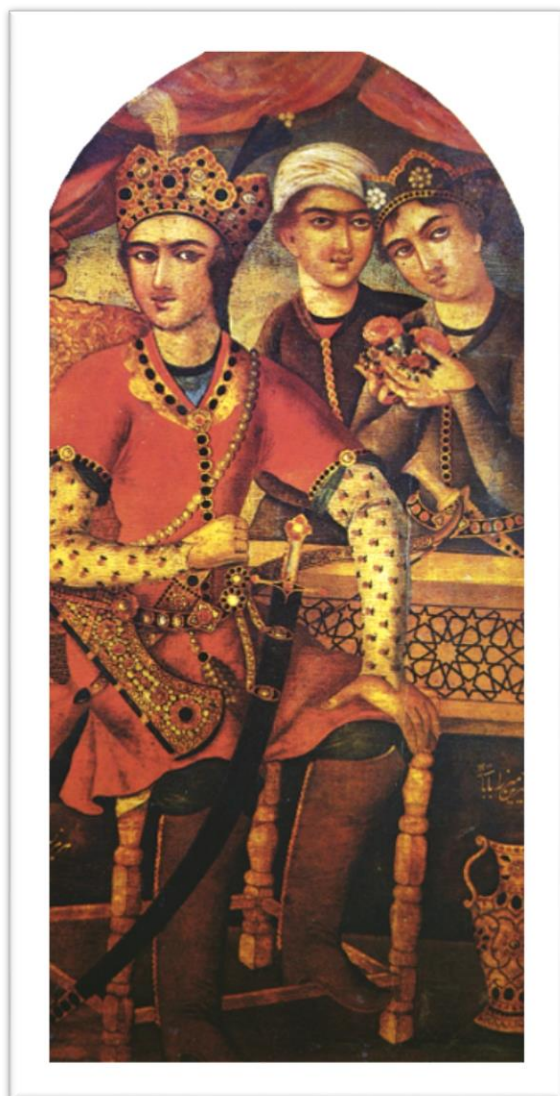
دانشگاه گیلان ۱۳۹۷

استاد پرویز تناولی درباره نقاشی دوره زندیه چنین می گوید: با آمدن سلسله زندیه صلح و آرامش دوباره به ایران بازمی گردید و این بار شیراز مرکز هنرمندان ایرانی شد و هنر تصویرگری به اوج خود رسید و هنر تصویری در همه ی جا و همه رشته ها از جمله ی روی سنگ و کاشی و گچ نقش بست و نقاشان زیادی به تهیه تابلوهای از شاهزادگان و رقاصان و نوازندگان پرداختند و کار تصویرگری از انحصار کاخ ها بیرون آمد و به داخل خانه اشراف راه یافت اما عمر سلسله زندیه چندی نپایید و سلسله قاجار تهران را به عنوان پایتختی دیگر برگزید.

در همه ی نقاشیهای دوره ی زندیه، اجرای بومی و محلی به مضامین طبیعت گرایانه و حتی عاشقانه، نوعی ویژگی های معتدل و صمیمی داده است که با تلفیق دستاوردهای شبه رئالیستی به آن ها تقریبا کیفیتی پیش پا افتاده بخشیده است، به طوری که این نقاشی ها متفاوت تر از آثاری هستند که حتی در مقام طرح های زندگی روزمره باقی بمانند.



تصویر ۴، نظام الملک فرزند ابراهیم خان رند، اثر عبدالله نقاش باشی، شیراز. ماخذ (شبییری، ۱۳۹۶، ۹۲)



بابا.ماخذ(شیرازی، ۱۳۹۶، ۶۰)

تصویر ۵، شاهزاده زند اثر میرزا

بازخوانی بصری شمایل نگاری درباری دوره زندیه

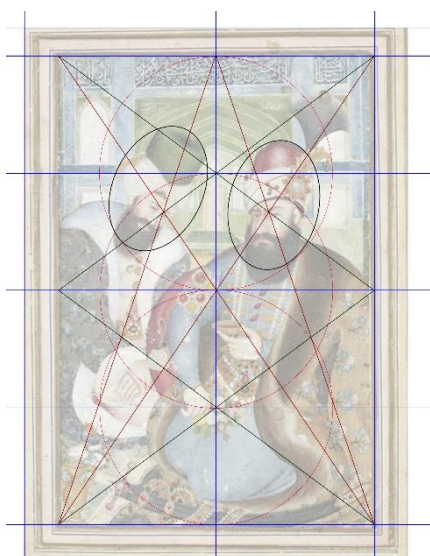
لازم است که برای بازخوانی بصری شمایل نگاری مضمون و یا معنا از یک سو و فرم بصری از سوی دیگر مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد. معنایی که از یک اثر دریافت می شود را می توان معنای ذاتی یا محتوا نامید؛ معنای اثر در شرایطی پدیدار می شود که دو گونه ی دیگر معنا یعنی ذاتی یا اولیه و ثانویه یا قراردادی موجود باشد. می توان به مثابه ی یک قاعده ی هماهنگ کننده تعیین کرد که این معنا اساس و توضیحی برای وقایع مشهود و اهمیت قابل فهم آنان است و حتا مشخص کننده ی فرمی است که در آن وقایع مشهود شکل می گیرند. به طور طبیعی این معنای ذاتی یا محتوا همان اندازه فراتر از خواست آگاهانه قرار دارد که معنای بیانی مادون آن است.

تجزیه و تحلیل تصویر شمایل شماره ۱

نام تابلو: کریمخان زند به همراه سفیر عثمانی ۱۷۷۵. ماخذ (شبییری، ۱۳۹۶، ۹)

تقسیم بندی تابلوهای شمایل نگاری درباری از نظر موضوع:

۱. شکار
۲. مهر (عاشقانه)
۳. تک چهره (خود شاه)
۴. مجالس که شامل ۱. شاه در کنار خانواده ۲. شاه در کنار درباریان



محل نگهداری: مجموعه هنری داوید دانمارک (۱۲۰۶ ه.ق)

نقاش: ابوالحسن مستوفی

نگارگر و وقایع نگار عصر زندیه و اوایل قاجار است. ابوالحسن فرزند معزالدین محمد غفاری از ارباب قلم کاشان به شمار می رود. نسبت خاندان غفاری به او ابوذر غفاری می رسد.

کاربرد اثر هنری: ثبت وقایع تاریخی

درگیری نظامی با روس در دوره زندیه، جنگی که تا به حال در محافل تاریخی بدان اشاره قابل توجهی نشده است. دکتر عبدالحسین نوایی: "در هنگام محاصره بصره، ناگهان به کریم خان خبر رسید که پادشاه خورشید کلاه روس (کاترین) قصد دارد چهل هزار سوار فرنگی با کشتی به دربند فرستاده از راه خشکی روانه روم یعنی خاک عثمانی شوند. کریم خان به فتحعلی خان حکمران قبه که مرکزش دربند بود فرمان فرستاد که از پیاده شدن قوای روس جلوگیری کند و اگر اصرار ورزیدند با آنان بجنگند و چنانچه احتیاج به کمک داشت اعلام نماید. فتحعلی خان ده هزار سوار لژی تفنگچی را در نقاط ساحلی که احتمال توقف کشتی ها میرفت گذاشت. چند روز بعد کشتی های روسی رسید و فرمانده روس نامه ای نزد فتحعلی خان فرستاد که ما ماموریت داریم از راه خشکی به خاک عثمانی حمله کنیم و چون بین ایران و روس مراتب دوستی برقرار است به مردم تاکید شود که ضروریات اردوی روس را به قیمت اعلا تهیه نمایند و طوری نشود که باعث برهمزدگی و خلل در دوستی ها شود.

فتحعلی خان جواب داد در این باره هیچ گونه اختیاری ندارم و چنان که وکیل یعنی کریم خان زند اجازه دهد از اینجانب هیچگونه منعی نخواهد بود. سردار روس به این پیغام اعتنا نکرده و سربازان خود را با توپخانه و تجهیزات از کشتی بیرون آورده و در ساحل اردو زد. فتحعلی خان به ده هزار نفر از لژیان نقاط ساحلی دستور داد تا به دسته های کوچک تقسیم شده هنگامی که وی خود از رو به رو به روس حمله میکند آنها از عقب در صفوف ایشان رخنه کنند. فتحعلی خان توانست به آسانی لشکر خود را به چهار قسمت نموده و در نیمه شب به اردوی روس ها شلیخون زند. در همان لحظه تفنگچیان لژی نیز از پشت به روس ها حمله بردند. مهاجمان روس تلفات زیادی متحمل شدند و بالاجبار توپخانه و تجهیزات خود را رها کرده به کشتی ها پناه بردند.

نتیجه سیاسی این موفقیت این بود که دولت عثمانی سفیر ایران عبدالله بیگ کلهر را که کریم خان برای بیان شکایات خود از عمر پاشا به استانبول فرستاده بود احترام فراوان نمود و به دلخواه نظر شهریار زند پاشای بغداد را مغضوب و معزول کرد (و طبق بعضی اسناد او را کشت و سرش را به ایران فرستاد) و سفیر ایران را به حرمت تمام به شیراز بازگرداند. وکیل نیز نظر علی خان و الله قلی خان را که به محاصره بغداد فرستاده بود فراخواند.

عناصر موجود در اثر هنری:

سفیر عثمانی: پوشش لباس سفیر برگرفته از هنر عثمانی می باشد. کلاه و ردای سفیر نشانه از لباس های عثمانی ها در آن زمان است.

حالت چهره و بدن: کاملاً به طور متواضع و فروتن در پشت سر شاه قرار گرفته است و دستان خود را به نشانه احترام روی هم روی زانوهای خود قرار داده است.

شاه (کریم خان زند): پوشش شاه برگرفته از هنر زندیه می باشد. کلاه شاه با تزیین مانند تاجی بر سر شاه قرار گرفته است. ردای شاه هم باز برگرفته از لباس های درباری زندیه می باشد. جامه های سلطنتی، نیز مانند تاج، نماد فرمانروایی است.

حالت چهره و بدن: چهره شاه کاملاً مصمم و شاد هست. در یک دست خود پیاله شراب که جام شراب و باده ی نوشین و صراحی های بلورین و کوزه ی خمر عناصر جدا ناشدنی از فرهنگ ایرانی محسوب می شوند.

بازخوانی بصری: با توجه به موقعیت اجتماعی و اهمیت شاه، نقاش سعی کرده است که شمایل شاه را در نقطه طلایی کادر و مرکز توجه تصویر قرار دهد (انرژی های موجود در کادر معطوف به چهره کریم خان زند است). همچنین از یک نوع پرسپکتیو مقامی ساخته شده که شاه را بزرگتر و در پلان اول قرار داده است.

تجزیه و تحلیل تصویر شمایل شماره ۲

نام تابلو: شاهزاده زند در حال شکار. ماخذ (شبییری، ۱۳۹۶، ۳۹)

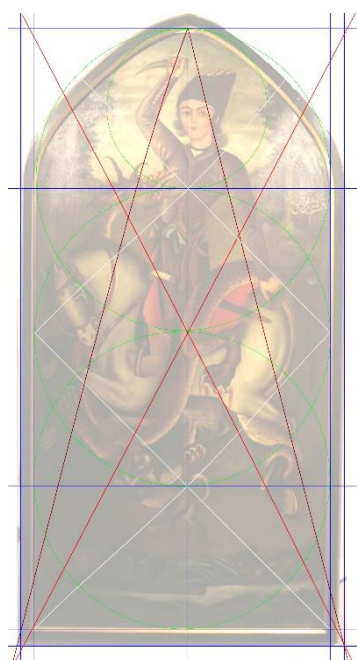
محل نگهداری: موزه سعدآباد تهران

نقاش: آقا صادق (نام اصلی وی محمد صادق بوده و به نام های آقا صادق و محمد صادق از زمان خود شهره بودند. این هنرمند نقاش قوی دست و نادره کاری بود که بیش از پنجاه سال در کمال استواری و پر اعتباری در عرصه هنری ایران درخشیده و آثار گران قدری نیز از خود به یادگار نهاده است).

این اثر متعلق به محمد صادق نقاش و قلمدان نگار ایرانی فعال در اواخر سده دوازدهم و اوایل سیزدهم ه.ق می باشد که با تکنیک رنگ و روغن روی بوم در دوره زندیه نقاشی شده است.

کاربرد اثر هنری: به تصویر کشیدن قدرت شاهزاده در برابر نیروهای اهریمنی

صحنه های شکار و گیر و دار از پراهمیت ترین و هوادارترین موضوع های نقاشی توسط هنرمندان و هنر دوستان بوده است. حتی در اکثر یادگاری های کهن ایران که غالباً بر روی سنگ ها و جاودانه مانده اند به صحنه های فراوانی از شکار بر می خوریم. به عنوان مثال تخت جمشید کاخ های پادشاهان هخامنشی سرشار از اینگونه صحنه هاست که برای همیشه در ذهن تماشاچی حک می شوند و چه فراوان بشقاب های نقره و طلا از دوره ساسانی موجود است که صحنه های شکار از بهرام گور و شاپور دوم و دیگر شاهان را به نمایش می گذارد.



عناصر موجود در اثر هنری:

اژدها: بر اساس باورهای مردم ساکن در ایران باستان که حیوانات را نمادی از فصول و سال‌ها می‌دانستند و هر فصل یا سالی را با حیوانات خاص آن بر می‌شمردند.

حیوانات زشت و درنده خو و بد خواه نماد نفس سرکش آدمی می‌باشد. نفسی که چون گرگ و کفتاری بد منظر، تنها مترصد موقعیتی مناسب است تا انسان را یکباره ببرد و از ارزش‌های والای خویش جدا سازد.

در این تصویر اژدها به شکل ماری بزرگ ترسیم شده است که دست و پاهایی همچون شیر دارد. بر روی کتف‌ها و بالای پاهای این جانور پشم‌هایی دیده می‌شود. پشتش حالتی شبیه پولک دارد و زیر شکمش، خط‌هایی موازی است. اژدها در هیچ یک از نگارگری‌ها ایرانی، بال ندارد؛ ولی در اسطوره‌ها و داستان‌های عامیانه بالدار هم در نظر گرفته شده است.

اسب: در اسطوره‌ها و مراسم دینی بسیاری از تمدن‌ها، اسب مقامی شامخ دارد، و در وهله‌ی اول، نماد خورشید بود و گردونه‌ی او را می‌کشید و برای خدایان خورشید، قربانی می‌شد. اسب در خاورمیانه و مصر و هندوستان، پس از حملات طوایف آریایی از استپهای

شمالی، در دومین هزاره ی پیش از میلاد، شناخته شد و آنان ارابه هایی را به وسیله ی اسب کشیده میشد، به کار می بردند. (هال، ۱۳۸۰، ۲۴-۲۵)

سگ: نگهبان، مراقب، نماد وفاداری و همراه و پیام آور خدایان بی شمار در هنر بسیاری از تمدن هاست.

سلاح: نشان بسیاری از خدایان و قهرمانان زن و مرد بود، که نماد قدرت آنان در دفع شر و جهل است.

بازخوانی بصری: این نگاره دارای ترکیب بندی مثلی است که شاهزاده زندیه در راس آن قرار دارد. این نوع ترکیب بندی از پایدارترین ترکیب بندی تجسمی است. شمایل شاهزاده در یک سوم بالای کادر قرار گرفته و دو سوم فضای پایین کادر به عناصر متعلق به شاهزاده (اسب و ...) اختصاص یافته است. نقاش به خوبی توانسته است با استفاده از جایگزینی مناسب عناصر در کادر قدرت و صلابت شاهزاده را نشان دهد.

نتیجه گیری:

شمایل نگاری به وسیله هنرمند شکل می گیرد که با هنرهای درباری ارتباط مستقیمی دارد. در ایران بعد از اسلام، از دوره صفویه علاوه بر شیوه های نقاشی درباری، شیوه ای مردمی هم به وجود آمد. نقاشی دوران زندیه نیز با نقاشی اواخر سده یازدهم پیوند زیادی دارد. در دوره زندیه شاهد تمایل رو به افزایش تلفیق و ترکیب قالب های صفوی و چهره نگاری درباری به شیوه اروپایی هستیم. زنان معمولاً چاق و با چهره های گرد و چشمان درشت مجسم می شوند و مردان با چهره ی گرد و بدون ریش همراه با عمامه بلند با کلاه پوستی و یا سرپوشی شبیه کلاهک زنان.

در واقع نقاشی دوره زندیه نموداری از طبیعت و زندگی مردمان آن دوره بوده است. آنچه باعث جذابیت این نقاشی ها شده «چهره نگاری درباری اروپایی» بود که باعث رواج مدل های جدید تصویری می شود که از انحصار کاخ بیرون آمد و در همه رشته ها از جمله سنگ، کاشی و گچ نقش می بندد. و به داخل خانه اشراف راه پیدا می کند. تزئینات قلمدان نگاری، قاب آینه، جلد کتاب و ... با نقاشی زیر لاکه نیز تاثیر گرفته از همین شیوه هنری است.

در شمایل نگاری های دوره ی زندیه شیراز علاوه بر جذابیت های کادربندی، شاهد برخوردهای متفاوت نقاشی با سوژه ها هستیم. استفاده از چهره های درباریان با بکارگیری تناسبات مقامی، فضای گرم و دلنشین رنگ ها، تلفیق پس زمینه ها با پلان بندی کادر، ترکیب بندی های مثلی و کاربرد عناصر نمادین در کنار شخصیت های مهم درباری از مهم ترین ویژگی های شمایل نگاری درباری این دوره است. نقاشان این دوره تلاش می کنند با پلان بندی و استفاده از عناصر طبیعی، تزئینات معماری و به کارگیری چهره های گرد به عنوان عناصر زیبایی، آثار شاخص و قابل قبولی ارائه دهند.

منابع:

کتاب

۱. پاکباز، ر. (۱۳۸۷). نقاشی ایران از دیرباز تا امروز. تهران: انتشارات زرین و سیمین.
۲. پانوفسکی، ا. (۲۰۱۶). معنا در هنرهای تجسمی. ترجمه: اخوان اقدام، ن. (۱۳۹۵). تهران: نشر چشمه.
۳. جنسن، ج. (۲۰۱۵). تجزیه و تحلیل آثار هنرهای تجسمی. ترجمه: آواکیان، ب. (۱۳۹۴). تهران: انتشارات سمت.
۴. خلیج امیر حسینی، مرتضی. (۱۳۸۹). رموز نهفته در نگارگری. تهران: انتشارات کتاب آبان.
۵. رهنورد، ز. (۱۳۹۳). تاریخ هنر ایران در دوره اسلامی نگارگری (چاپ اول). تهران: انتشارات سمت.
۶. شبیری، س. (۱۳۹۶). نقاشی زندیه شیراز (چاپ اول). شیراز: انتشارات رخشید.
۷. شعبانی، ر. (۱۳۸۹). تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی در دوره افشاریه و زندیه (چاپ اول). تهران: انتشارات سمت.
۸. عبدی، ن. (۱۳۹۰). درآمدی بر آیکونولوژی نظریه ها و کاربردها. تهران: انتشارات سخن.
۹. فالک، ا. (۲۰۱۴). شمایل نگاری قاجار. ترجمه: علیرضا بهارلو. (۱۳۹۳). تهران: انتشارات پیکره.
۱۰. هدایتی، ه. (۱۳۳۴). تاریخ زندیه (چاپ اول). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۱. هال، جیمز. (۱۹۱۷). فرهنگ نگاره ای نمادها در هنر شرق و غرب. ترجمه: رقیه بهزادی. (۱۳۸۰). تهران: انتشارات فرهنگ معاصر.
۱۲. یاسینی، ر. (۱۳۹۵). شمایل نگاری دینی در ایران و غرب از آغاز تا دوره ی معاصر (چاپ اول). تهران: پژوهشگاه فرهنگ و هنر و ارتباطات.

مقاله

۱. برهمند، م. (۱۳۸۷). ترکیب بندی در آثار پیکره نگاری دوره ی زندیه. (۷۷۱-۷۷۹) مجموعه مقالات کنگره بزرگ زندیه.
۲. بلوکاشی، ع. (۱۳۸۰). شمایل نگاری در حوزه هنرهای عامه ی ایران. مجله ماه هنر، فروردین و اردیبهشت (۳-۷).
۳. جعفری، پ. (۱۳۸۷). نقاشی ایرانی از دوره تیموری تا پایان قاجار: نگاه به بنیان های نوگرایی نقاشی ایران. مجله ماه هنر، شماره ی ۱۲۶ (۶۰-۷۱).
۴. نصری، ا. (۱۳۸۹). رویکرد شمایل نگاری و شمایل شناسی در مطالعات هنری. مجله رشد آموزش هنر، دوره ۸، شماره ی اول (۵۶-۶۴).



پنجاد اقتصادي علوم جهان اسلام

National Conference on Iranian Islamic Art

Effects in Culture, Science and Documentation

University of Guilan, 2018



دانشگاه گیلان

همایش ملی جلوه های هنر ایرانی اسلامی در فرهنگ، علوم و اسناد

دانشگاه گیلان ۱۳۹۷

۵. محمد وکیل، م و بلخاری قمی، ح. (۱۳۹۳). از تحریم صورت نگاری عریان نگاهی به سیر تحول نمایش پیکره ی انسان در تاریخ هنر و به ویژه ایران. نشریه هنرهای زیبا - هنرهای تجسمی، دوره ۱۹، شماره ۲ (۵-۱۶).
۶. هنری مهر، ف. (۱۳۸۴). جلوه های شمایل نگاری در ایران قبل از اسلام تا دوره صفویان. مجله جلوه هنر، شماره ی ۲۵ (۵۰-۶۰).